

سروین دهقان

گزارش

«اسب نورد» تنها روایت یک قتل یا یک خانواده نیست؛ نمایشی است درباره چرخه خشونت، زخم های ماندگار و مسئولیتی که جامعه در برابر آن بر عهده دارد. روزنامه صبا در پرونده ای ویژه، در گفت و گو با کارگردان، تهیه کننده و بازیگر این اثر، از جهان ذهنی نمایش، فرآیند تولید، شیوه اجرا و نسبت تئاتر با مسائل اجتماعی امروز روایت می کند. این نمایش هر شب ساعت ۱۹:۳۰ در سالن قشقایی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می رود.

گفت و گوی
روزنامه صبا
با عوامل نمایش
«اسب نورد»



تجربه ای میان روایت بازی و خیال



مصطفی کوشکی،
تهیه کننده:

تهیه کننده شریک
اندیشه اثر است

مصطفی کوشکی معتقد است نقش تهیه کننده در تئاتر فراتر از تأمین هزینه هاست و از نخستین ایده تا آخرین اجرای یک اثر، در شکل گیری کیفیت و جهان فکری آن نقش دارد. او در گفت و گو با صبا از چرایی تولید «اسب نورد»، نسبت میان کیفیت و اقتصاد تئاتر و ضرورت پرداختن به مسائل اجتماعی در صحنه امروز سخن می گوید.

○ «اسب نورد» از ابتدا با چه ضرورتی برای شما شکل گرفت؟ چه چیزی در این متن بود که گفتید این نمایش باید ساخته شود؟

شیوه تولید در تئاتر مستقل تهران اساساً از متن آغاز نمی شود که ابتدا نمایشنامه ای آماده باشد و بعد تصمیم بگیریم آن را تولید کنیم. ما ابتدا به این فکر می کنیم که پروژه جدیدمان باید درباره چه مسئله ای باشد، در چه کانسپتی شکل بگیرد، چه کسی نویسنده و کارگردان باشد و چه گروهی آن را به سرانجام برساند. در واقع، این شرایط

اجتماعی و زیستی ماست که ضرورت تولید یک اثر را تعیین می کند. گاهی این ضرورت به خلق یک نمایشنامه تازه منجر می شود و گاهی به انتخاب متنی که پیش تر نوشته شده است. درباره «اسب نورد» هم فضای اجتماعی امروز، خود به ما می گفت که چگونه باید با این اثر مواجه شویم و آن را به صحنه ببریم.

○ چقدر در شکل گیری نگاه اثر همراه بودید؟

من اساساً تهیه کننده را از جریان فکری اثر جدا نمی بینم. تهیه کننده صرفاً مسئول تأمین هزینه نیست، بلکه هدایت کننده یک فرآیند تولید است. از همان مرحله شکل گیری ایده و کانسپت، در کنار گروه حضور دارد و تا پایان اجرا نیز مسئولیت خود را نسبت به کیفیت و محتوای اثر حفظ می کند. در «اسب نورد» نیز این همراهی بخشی از روند طبیعی تولید بود.

○ نام «اسب نورد» خودش تصویری چندلایه و غریب ایجاد می کند. نگران نبودید مخاطب با این عنوان فاصله بگیرد؟

شاید عنوان نمایش در نگاه نخست کمی انتزاعی یا حتی سورئال به نظر برسد، اما مخاطبی که نمایش را می بیند، به تدریج ارتباط آن را با جهان اثر پیدا می کند. اجرا از فضایی نسبتاً آشنا آغاز می شود، اما آرام آرام وارد جهانی فراواقعی می شود و همان جا عنوان نمایش نیز معنای خود را پیدا می کند و با فرم و روایت گره می خورد.

○ آیا مصطفی کوشکی تهیه کننده جایی با مصطفی کوشکی هنرمند اختلاف پیدا کرد؟

نه، چون اساساً این دو را از هم جدا نمی بینم. برای من کیفیت و تأثیرگذاری اثر همیشه در اولویت است، نه صرفاً فروش یا ملاحظات اقتصادی. به نظرم این تصور که تهیه کننده فقط سرمایه گذار است، نگاه دقیقی نیست. تهیه کننده در انتخاب اولیه، شکل گیری کیفیت و مسیر اثر نقش تعیین کننده دارد. البته تئاتر باید اقتصاد خود را داشته باشد و هزینه هایش را تأمین کند، اما اگر نقطه ورود به یک پروژه صرفاً اقتصاد باشد، هیچ تضمینی برای کیفیت وجود ندارد. برعکس، وقتی کیفیت اولویت باشد، اقتصاد هم می تواند به درستی شکل بگیرد.

○ امروز تولید نمایشی که صرفاً سرگرم کننده نباشد، چه هزینه ای دارد؟

من این دوگانه را قبول ندارم. اینکه تصور کنیم نمایش دغدغه مند الزاماً فروش ندارد، به نظرم درست نیست. اثر با کیفیت مخاطب خودش را پیدا می کند و اگر بتواند تأثیرگذار باشد، در نظر اقتصادی هم موفق خواهد بود. کیفیت، مخاطب و اقتصاد از هم جدا نیستند و در نهایت این مخاطبان، منتقدان و صاحب نظران هستند که درباره موفقیت یک اثر قضاوت می کنند.

○ نگاه شما به تولید در تئاتر مستقل تهران بعد از سال ها فعالیت تغییر کرده است؟

خط فکری مادر این سال ها تغییر اساسی نکرده است. از ابتدا بر استقلال اثر، کیفیت تولید، ارتباط با مخاطب و

تأثیرگذاری تأکید داشتیم؛ چه زمانی که آثار شکسپیر را تولید می کردیم و چه امروز که نمایشنامه ای ایرانی و معاصر روی صحنه می بریم. موضوع ها تغییر می کنند، اما رویکرد ما ثابت مانده است.

○ آیا هنوز می شود فقط به دلیل یک دغدغه اجتماعی نمایش تولید کرد یا باید از ابتدا به فروش فکر کرد؟

به نظرم این دو موضوع را نباید مقابل هم قرار داد. ممکن است آثاری صرفاً با هدف فروش تولید شوند، اما درباره تئاتر حرفه ای، کیفیت و دغدغه اجتماعی با موفقیت اقتصادی منافاتی ندارند. اثری که حرف مهمی برای گفتن داشته باشد و درست اجرا شود، می تواند مخاطب خود را نیز پیدا کند.

○ وقتی کارگردان به اجرای مینیمال می رسد، نقش تهیه کننده در حمایت از این انتخاب چیست؟

مینیمالیسم در این نمایش یک انتخاب سلیقه ای نبود؛ ضرورتی بود که خود متن و جهان اثر به ما تحمیل می کرد. هر اثر، شیوه مواجهه با خودش را تعیین می کند و تهیه کننده نیز باید از همان ابتدا این مسیر را بشناسد و از آن حمایت کند. در «اسب نورد»، فرم اجرا کاملاً در خدمت جهان نمایش بود.

○ هیچ وقت احساس نکردید این نمایش برای شرایط امروز جامعه بیش از حد تلخ یا سنگین است؟

نمایش اجتماعی طبیعتاً از دل زیست مردم بیرون می آید، اما قرار نیست صرفاً بازتاب تلخی ها یا نوعی ناله باشد. یک اثر اجتماعی باید تیز، هشداردهنده و تأثیرگذار باشد؛ مخاطب را بعد از خروج از سالن به فکر وادارد و شاید حتی تغییری هرچند کوچک در نگاه او ایجاد کند. صرف تلخ بودن، ارزش هنری ایجاد نمی کند.

○ دوست دارید مخاطب بعد از اجرا بیشتر درباره چه چیزی صحبت کند؛ داستان، فرم یا مسئله پنهان نمایش؟

این ها از هم جدا نیستند. فرم، محتوا و مسئله ای که نمایش درباره آن حرف می زند، همه به هم وابسته اند. برای ما خوشحال کننده است که بسیاری از تماشاگران بعد از خروج از سالن همچنان درباره نمایش فکر می کنند، به خودشان، رفتارهایشان و مسئولیت فردی شان رجوع می کنند. اگر نمایش چنین پرسشی ایجاد کند، به هدفش رسیده است.

○ سخت ترین بخش تهیه کنندگی این نمایش چه بود که تماشاگر روی صحنه نمی بیند؟

مهم ترین چالش، حفظ آزادی عمل برای تولید یک اثر هنری است. وقتی گروهی بدون حاشیه سازی و صرفاً با دغدغه پرداختن به مسائل واقعی جامعه کار می کند، طبیعی است که گاهی با نگاه ها یا موانعی روبه رو شود که این دغدغه را درک نمی کنند. بخش مهمی از انرژی گروه صرف عبور از همین فرسایش های پنهان می شود؛ مسائلی که تماشاگر هرگز روی صحنه نمی بیند، اما در پشت تولید یک اثر حضوری جدی دارند.

○ هستی حسینی؛ کارگردان:

مخاطب باید نمایش را با خود به زندگی ببرد «اسب نورد» نمایشی است که به جای تکیه بر کنش های پرتحرک، مخاطب را به جهان ذهن، خاطره و زخم های شخصیت هایش می برد. هستی حسینی، کارگردان این اثر در گفت و گو با صبا از شیوه خلق فضایی مینیمال، نقش باران و سکوت در روایت و تلاش برای تبدیل تماشاگر از یک ناظر به شاهد ماجرا سخن گفت.

○ «اسب نورد» متنی است که بیش از کنش بیرونی، بر مونولوگ و جهان ذهنی شخصیت ها استوار است. در مقام کارگردان، چگونه تلاش کردید این فضای روایت محور دچار سکون نشود؟

در این تئاتر بخصوص هر لحظه در نمایش باید از دل یک کنش درونی و یک وضعیت عاطفی بیرون می آید. ریتیم، سکوت، رست و کیفیت حضور بازیگران ضربان قلب این نمایش است. تلاشمون بر این بود مخاطب فقط شنونده داستان نباشد، بلکه باید احساس کند در حال تجربه کردن خاطرات و ذهن آشفته این دو شخصیت است و تماشاگر در ذهنش تصاویر مختص به خود را بسازد که قطعاً ذهن قدرت بی کرانی از تصور و خیال را دارد. نمایشنامه «اسب نورد» بیش از آنکه خطی باشد، به شکلی تدوین غیر خطی و گاهی دورانی است. اما صحنه، نور و موسیقی بسیار موثر هستند در عین نا پیدا بودن مثل جریان آب پویایی در ناخودآگاه تماشاچی ایجاد می کنند.

○ نمایش از همان ابتدا تماشاگر را وارد فضایی ملتهب و ناآرام می کند؛ فضایی که میان همدلی و قضاوت معلق است. طراحی این اتمسفر از کجا آغاز شد؟

به گمان من این فضا پیش از هر چیز در خود متن وجود داشت. نمایش درباره خشونت، استبداد، تبعیض و زخم هایی است که سال ها در یک خانواده انباشته شده اند. تلاش کردم از همان لحظه ورود، مخاطب را وارد جهانی کنم که امنیت روانی در آن از بین رفته است. فضای تصعیتی نمایش قطع میشد و او را با دو گانگی اجرا و یا اتفاقی که در واقعیت رخ داده است قرار میدادیم و مخاطب متوجه نمیشد چه زمانی دوباره وارد نمایش شده است.

○ در اجرای «اسب نورد»، ارتباط چشمی مستقیم